



دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش علوم سیاسی محض

عنوان:

جهانی شدن و حاکمیت ملی ایران

(بررسی نوع نگرش حاکمان ملی ایران به پدیده ی جهانی شدن)

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر جعفری

استاد مشاور:

دکتر محمد تقی قزلسفلی

نگارش:

سعید محمدزاده

سال تحصیلی ۹۰-۸۹



## چکیده پایان نامه

موضوع پایان نامه حاضر جهانی شدن و حاکمیت ملی ایران (بررسی نوع نگرش حاکمان ملی ایران به پدیده ی جهانی شدن) می باشد. ما در این پایان نامه در پی آن بودیم که به این سوال اصلی که فرآیند جهانی شدن چه تاثیری بر حاکمیت ملی ایران داشته است؟ و سوالات فرعی دیگر این که: فرآیند جهانی شدن سیاسی چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟ و فرآیند جهانی شدن فرهنگی چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟ جواب دهیم. فرضیه ی اصلی پایان نامه حاضر نیز این بوده است که: - جهانی شدن بر حاکمان ملی ایران مؤثر بوده است و دیدگاه حاکمان ملی ایران نسبت به این پدیده متفاوت بوده است. رهیافت این پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات و داده ها در این اثر عمدتاً به شکل کتابخانه ای بوده است. همچنین تلاش گردید از اسناد، شبکه اینترنت و نیز از آرای صاحبان نظران در کشور به صورت مصاحبه استفاده شود.

یکی از مسایل مهمی که تمام کشورها و حاکمان آن ها در عصر کنونی ناگزیر از برخورد با آن هستند، مسئله جهانی شدن می باشد. بنابراین تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران نیز بایستی موضع خویش را نسبت به مسئله مهم جهانی شدن روشن کنند و در قبال این پدیده موضع گیری لازم را انجام دهند. ما در این پایان نامه به منظور بررسی نوع موضع گیری که حاکمان ملی معاصر ایران یعنی رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور سابق کشورمان سید محمد خاتمی و رئیس جمهور محمود احمدی نژاد نسبت به مسئله جهانی شدن داشته اند، ابتدا در فصل چارچوب نظری، چارچوب مفهومی و تئوریک خویش را تنظیم کردیم و سپس در فصل دوم از بخش کلیات نوع برخوردی را که حاکمان ملی ایران در طی تاریخ نسبت به مدرنیته و سپس جهانی شدن داشته اند را بررسی کردیم.

در بخش دوم نیز به ترتیب در فصولی جداگانه نوع موضع گیری را که سه حاکم ملی معاصر ایران نسبت به سه نوع جهانی شدن یعنی جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی شدن فرهنگی داشته اند مورد ارزیابی قرار دادیم تا دریابیم که نوع نگرش این حاکمان به شاخه های گوناگون جهانی شدن دارند، چه می باشد؟ در نهایت نیز در بخش نتیجه گیری کل نظراتی را که حاکمان ملی ایران نسبت به پدیده ی جهانی شدن دارند خلاصه و جمع بندی کردیم و به نتایج لازم رسیدیم.

**کلید واژه ها:** ایران، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن فرهنگی

## فهرست

صفحه

عنوان

### بخش اول: کلیات

۸ .....	(۱) طرح مسئله
۱۰ .....	(۲) سوال اصلی
۱۰ .....	(۳) سوالات فرعی
۱۰ .....	(۴) ادبیات پژوهش
۱۳ .....	(۵) محدوده زمانی و مکانی پژوهش
۱۳ .....	(۶) فرضیه اصلی
۱۴ .....	(۷) فرضیات فرعی
۱۴ .....	(۸) اهداف پژوهش
۱۴ .....	(۹) چارچوب نظری
۱۷ .....	(۱۰) روش جمع آوری داده ها

۱۷.....	(۱۱) تعریف مفاهیم
۱۸.....	(۱۲) سازماندهی پژوهش

### فصل اول: چارچوب نظری

۲۱ .....	(۱) مقدمه
۲۴.....	(۲) جهانی شدن سیاسی
۳۰.....	(۳) جهانی شدن اقتصادی
۳۵.....	(۴) جهانی شدن فرهنگی

### فصل دوم: ایران و جهانی شدن

۴۱.....	(۱) قبل از انقلاب اسلامی
۴۷.....	(۲) انقلاب اسلامی ایران

### بخش دوم

### فصل اول: جهانی شدن سیاسی و حاکمیت ملی ایران

۵۷.....	(۱) مقدمه
۶۵.....	(۲) جهانی شدن سیاسی و دیدگاه مقام معظم رهبری
۷۳.....	(۳) جهانی شدن سیاسی و دیدگاه محمد خاتمی
۸۳.....	(۴) جهانی شدن سیاسی و دیدگاه محمود احمدی نژاد

### فصل دوم: جهانی شدن اقتصادی و حاکمیت ملی ایران

۹۱.....	(۱) مقدمه
۱۰۰.....	(۲) جهانی شدن اقتصادی و دیدگاه مقام معظم رهبری
۱۰۷.....	(۳) جهانی شدن اقتصادی و دیدگاه محمد خاتمی
۱۱۳.....	(۴) جهانی شدن اقتصادی و دیدگاه محمود احمدی نژاد

## فصل سوم: جهانی شدن فرهنگی و حاکمیت ملی ایران

- ۱) جهانی شدن فرهنگی ..... ۱۲۰
- ۲) جهانی شدن فرهنگی و دیدگاه مقام معظم رهبری ..... ۱۲۸
- ۳) جهانی شدن فرهنگی و دیدگاه محمد خاتمی ..... ۱۳۷
- ۴) جهانی شدن فرهنگی و دیدگاه محمود احمدی نژاد ..... ۱۴۳
- بخش سوم: نتیجه گیری ..... ۱۴۹
- منابع ..... ۱۵۵

کلیات

## طرح مسئله

اصطلاح جهانی شدن از دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ وارد حوزه آکادمیک شده است. این «عصر طلایی» وابستگی متقابل سیاسی و اقتصادی که به سرعت میان کشورهای غربی رو به گسترش بود، حاکی از نارسایی های تفکر راست آیینی در زمینه سیاست، اقتصاد و فرهنگ بود که جدایی کامل میان امور داخلی و خارجی، صحنه های داخلی و بین المللی، و محلی و جهانی را مسلم فرض می کرد.

در چاپ جدید فرهنگ وبستر، سال ۱۹۶۱، کلمه تازه ای با عنوان "جهانی شدن" مورد استفاده قرار گرفت. اما این واژه تا اوایل یا حتی اواسط دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی شد. با آغاز دهه ۱۹۹۰ و همزمان با فروپاشی بلوک کمونیسم و در مقابل تحکیم مواضع سرمایه داری در سراسر دنیا، آگاهی عمومی درباره جهانی شدن به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد.

در دوره زمانی اواخر سده ۱۹ و اواخر دهه دوم قرن ۲۰، تبدیل صورت دولت-ملت به واحد معیار و گسترش آن در جهان، استثمار شدیدتر جهان غیراروپایی از سوی قدرت های اروپایی، گسترش صنعت و پیچیدگی فزاینده فنون ارتباطی، همه در سطحی وسیع به تراکم جهان و ایجاد فرصت هایی برای تجربه بازانديشانه این فرایند کمک کردند. در همین دوره، روندها و گرایش های جهانی شدن تشدید شد. (آکسفورد، ۱۳۷۸، ص ۳۹)

گرچه جهانی شدن از مفاهیم رایج در حوزه های علمی، شبه علمی و سیاسی است، اما تعریف دقیقی از آن وجود ندارد. متفکران متفاوت تعریف های گوناگونی از جهانی شدن ارائه داده اند، اما در کل می توان آن را فرآیند درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد، فرآیند به هم وابستگی روزافزون انسان ها،



گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و تعمیق تاثیر فراقاره ای جریانات و الگوهای تعامل اجتماعی دانست.

ابعاد مختلف جهانی شدن، شامل جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی شدن فرهنگی می باشد: مقصود از **جهانی شدن سیاسی** این است که مسایل و مباحثی که قبلا به حوزه داخلی و حیطة حاکمیت دولت تعلق داشتند، با گذشت زمان ابعاد جهانی شدن بیشتری پیدا می کنند. مسایلی مانند: مهاجرت، تخریب محیط زیست، یا سلاح های کشتار جمعی و ... جهانی شدن در عرصه سیاست با افزایش روز افزون دهها بازیگر غیرحکومتی و سهامی شدن آن ها در اقتدار و تصمیم گیری های حکومتی همراه شده است. از این رو می توان گفت که دولت بر اثر جهانی شدن با چالش اقتدار مواجه شده است و ناسیونالیسم کمرنگ شده است. (قوام، ۱۳۸۲، ص ۶۶)

در **جهانی شدن اقتصادی**، حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری و تولید کم ترین نقش را داراست. با جهانی شدن اقتصاد، کشورهای جهان به شدت به یکدیگر وابسته می شوند، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می یابد و نقل و انتقالات مالی بین کشورها به آسانی میسر می گردد. (روشنفکر، ۱۳۷۹، ص ۱۸)

**جهانی شدن فرهنگی** را می توان در برگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هر گونه عوامل محدودیت ساز و بستر فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل و یا حذف می نماید. به بیان دیگر جهانی شدن فرهنگی عبارت از: شکل گیری و گسترش فرهنگ خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی و همسانی فرهنگی را در سطح جهان پدید می آورد و همه خرده فرهنگها را به چالش می طلبد.

همه کشورهای جهان تحت تاثیر موج گسترده جهانی شدن قرار گرفته اند و کشور ایران نیز مسلما از این قاعده مستثنا نبوده است. تاثیراتی که جهانی شدن در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر کشور ایران و بر حاکمیت ملی ایران داشته است تا حد زیادی قابل مشاهده است. از سوی دیگر، با بررسی عملکرد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران طی ۳۱ سال گذشته به نظر می رسد که جمهوری اسلامی ایران فاقد یک استراتژی و برنامه مناسب برای مقابله با چالشها و بهره برداری از فرصتهای روند جهانی شدن می باشد که از این بابت خسارات هنگفتی به کشور وارد آمده است. طی چند سال اخیر گام های موثری جهت رفع این مشکل برداشته شده است، اما همچنان در این ناحیه مشکلاتی مشاهده می شود.

اما آن چه که مسلم است این است که پدیده ی جهانی شدن پدیده ای است که ما خواه یا ناخواه با آن مواجهیم و حاکمان ملی کشورها از اوباما و سارکوزی و مرکل و ... گرفته تا حاکمان ملی ما ناگزیر به موضع گیری در قبال آن هستند تا نسبت خویش و کشور خویش را با این پدیده مشخص کنند. ولی در عین حال می توان گفت که این موضع گیری ها تأثیر چندانی در این پدیده ندارند و آن سیر خود را طی خواهد کرد.

همچنین موضع گیری حاکمان ملی ایران نیز نسبت به این پدیده با یکدیگر متفاوت بوده است، که این تفاوت موضع گیری و نگرش را می توان از طریق سخنرانی ها و اقدامات آن ها در مقابل این پدیده متوجه شد. بنابراین بحث اصلی ما در این پژوهش صرفاً بررسی پدیده ی جهانی شدن از منظر حاکمان ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد و می خواهیم نوع نگاه ایشان را نسبت به این پدیده دریابیم.

با عنایت به این موارد، حال این سوال اصلی مطرح می شود:

فرآیند جهانی شدن چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟

**سوالات فرعی دیگر این که:**

فرآیند جهانی شدن سیاسی چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟

فرآیند جهانی شدن اقتصادی چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟

فرآیند جهانی شدن فرهنگی چه تاثیری بر حاکمان ملی ایران داشته است؟

## ادبیات پژوهش

\* محمد نهاوندیان با همراهی همکاران خویش در مرکز مطالعات جهانی شدن در کتاب تحت عنوان متن پیشنهادی سیاست های کلی جمهوری اسلامی ایران در خصوص جهانی شدن سیاست های کلی برای جمهوری اسلامی ایران در خصوص برخورد با پدیده جهانی شدن پیشنهاد داده است. این سیاست ها در چهار بخش با عناوین سیاست های کلی عمومی، سیاست های کلی در عرصه فرهنگ، سیاست های کلی در عرصه اقتصاد، و سیاست های کلی در عرصه سیاست تدوین شده است. هر کدام از این سیاست ها در سه بخش مدار ملی، مدار منطقه ای - اسلامی و مدار جهانی توضیح داده شده است. نقطه ضعف این اثر آن است که تنها به جنبه توصیفی جهانی شدن پرداخته است و آن را به صورت تحلیلی بررسی نکرده است. اثر مذکور در سه فصل بخش دوم کاربرد دارد.

\* حسین پور احمدی در کتاب انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی شدن - همسویی، تقابل، یا تعامل به بررسی انواع جهانی شدن و راهکار درست برخورد ایران با این پدیده پرداخته است. نویسنده بر این نظر است که فرهنگ و هویت ایرانی بیشتر در تقابل با فرهنگ جهانی قرار دارد تا تعامل. اما به نظر او جمهوری اسلامی ایران باید واقعیت های جهانی شدن و فشارهای مربوط به نیروها و جریانات خارجی در حوزه فرهنگ را شناسایی کرده و به نوعی با آن واقعیت ها به تعامل

سازنده بپردازد. نویسنده در بحث جهانی شدن اقتصادی و اقتصاد ایران، ضمن استدلال بر ضرورت اصلاحات اقتصادی و سیاسی ساختاری در تعامل با فرآیند جهانی شدن، محورهایی چون آزادسازی اقتصادی، تعدیل سیاست های مالی و پولی و بالاخره تدوین استراتژی مناسب توسعه اقتصادی (استراتژی تجارت و مبادله خارجی) و تغییرات نقش و جایگاه دولت در جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیش فرض های توسعه اقتصادی و بهره مندی از نظام اقتصاد جهانی را به بحث گذاشته است. این اثر نیز صرفا راه حل تعامل را پیشنهاد کرده است اما به مقدمات و ضروریات و موانع تحقق این امر اشاره نکرده است. این اثر در سه فصل بخش دوم کاربرد دارد.

\* سید امیر مسعود شهرام نیا در کتاب **جهانی شدن و دموکراسی در ایران** این فرضیه را مطرح می کند که جهانی شدن طی دهه های اخیر سبب گسترش فرهنگ دموکراتیک و ایجاد برخی ساختارهای دموکراتیک به شکلی نسبتا متفاوت با دموکراسی های غربی در ایران شده است. او با بررسی شاخص های جهانی شدن در ایران معاصر مانند: طرح دموکراسی به عنوان گفتمان غالب، رشد آگاهی جمعی، گسترش مشارکت سیاسی افراد گروه های مختلف اجتماعی، تقویت بازار آزاد اقتصادی و رشد خصوصی سازی و... در نهایت به این نتیجه می رسد که جهانی شدن در دو سطح بر دموکراتیزاسیون در نظام سیاسی ایران موثر بوده است: سطح نخست) تاثیر آن بر فرهنگ سیاسی مردم و تقویت فرهنگ سیاسی مشارکتی است. سطح دوم) تاثیر آن بر ساختار سیاسی است که هر دو کاملا مرتبط و وابسته به یکدیگرند. نقطه ضعف این اثر این است که جهانی شدن را صرفا مساوی دموکراسی شدن گرفته است و به جنبه های دیگر آن توجه نکرده است. این اثر در فصل اول از بخش دوم پژوهش کاربرد دارد.

\* فروزان راسخی در مقاله **جامعه دینی و جهانی شدن: فرصت ها و چالش ها**، فرصتها و چالش های ناشی از جهانی شدن را برای جوامع دینی از جمله جمهوری اسلامی ایران بررسی می کند. فرصت های ناشی از جهانی شدن برای جوامع دینی شامل این موارد می باشد: شناخت نقاط ضعف فرهنگ دینی خود و در نتیجه سعی در زدودن آنها، شناخت نقاط قوت فرهنگ دیگران و سعی در بهره مندی از آنها و جذب و هضم آنها متناسب با جامعه دینی خود، کنار گذاشتن ادعاهایی که باعث نفی و طرد دیگران می شود. چالش های آن نیز شامل این موارد می باشد: اتخاذ نوعی نسبت در عقیده و اخلاق در اثر اطلاع از تنوع افکار و خلیقات در ادیان مختلف، مفتون و شیفته فرهنگ دیگران شدن و بی اعتنایی به فرهنگ خود و آمیختن غیرمنطقی عناصر ادیان مختلف با هم و نوعی التقاط گرایی که منجر به ظهور معجون دینی ای ناهماهنگ خواهد شد. ضعف کار نویسنده این است که به نوعی میان چالش ها و فرصتهایی که مطرح کرده نوعی تناقض مشاهده می شود. این اثر در فصل سوم از بخش دوم کاربرد دارد.

\* یحیی گل محمدی در مقاله **جهانی شدن و فرهنگ**، ضمن برشمردن انواع جهانی شدن که شامل جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن فرهنگی و جهانی شدن اقتصادی می شود، رابطه فرهنگ و جهانی

شدن را در سه دسته ی همگونگی فرهنگی ، خاص گرایی فرهنگی و آمیزش تحول فرهنگی قرار می دهد. او همگونگی فرهنگی را نوعی انفعال در برابر فرآیند جهانی شدن و خاص گرایی فرهنگی را نوعی مقاومت در برابر آن می داند. اما سومین نوع رابطه، آمیزش و تحول فرهنگی است که در آن فرهنگ های دیگر و هویت های دیگر به حیات خود ادامه می دهند و نویسنده این نوع رابطه را راه حل قلمداد می کند. ضعف این اثر این است که تنها به خاص گرایی توجه کرده و به عام گرایی فراوان ناشی از جهانی شدن بی اعتنا بوده است. این اثر در فصل سوم از بخش دوم کاربرد دارد.

\***مجتبی مقصودی** در مقاله خویش با عنوان **تأثیر جهانی شدن بر قومیت ها** ادعان می کند که با افزایش موج جهانی شدن هویت های قومی نه تنها به بایگانی تاریخ سپرده نشده اند، بلکه برعکس در یک دهه اخیر رشد فزاینده ای نیز داشته اند. در فضای نوین متأثر از جهانی شدن، طیف قابل توجهی از گروه های قومی که به زعم خویش از داشتن حداقل امکانات و حقوق محروم شده اند، در جهت استیفای حقوق از دست رفته خود اقدام می نمایند و این گرایشات در برخی از کشورها تشدید می شود. تضمین بقای هویت ملی کشورها هم در کاربرد ترکیبی و مناسب مولفه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و شناخت همه جانبه تحولات جهانی امکان پذیر خواهد بود به عنوان نقطه ضعف می توان گفت که این مقاله نیز به قومیت هایی که در جهانی شدن استحاله شده اند اشاره نکرده است. این اثر در فصل سوم از بخش دوم کاربرد دارد.

\***حسین آبادیان** در مقاله **جهانی شدن و سامان فرهنگی ایران**، چالش های فرهنگی ناشی از جهانی شدن در ایران را عظیم و پر قدرت می داند. زیرا از نظر او با توجه به ذخایر عظیم اقتصادی که ایران دارد و توجه کشورهای قدرتمند جهان به این کشور و با توجه به پدیده انفجار اطلاعات که ناشی از گسترش اینترنت و وسایل ارتباط جمعی است، چالش های فرهنگی جهانی شدن در ایران قابل توجه است. از نظر او با ورود گسترده روستاییان به شهرها، پشتوانه فامیلی و خانوادگی آن ها از دست رفته است و احساس خلا و تزلزل شخصیت فراهم شده و حتی باعث شورش می شود. در کل فقر و فساد و آشوب علیه نظام اجتماعی از تبعات این بحران ها هستند. این اثر در فصل سوم از بخش دوم کاربرد دارد.

\***مرتضی شیرودی** در کتاب **جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست** انواع ابزار جهانی سازی و چالش های آن برای ایران و راهکار مقابله را شرح می دهد. نویسنده ضمن برشمردن روش ها و ابزار های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جهانی سازی، مهمترین ابزارهای جهانی سازی فرهنگی را شامل تلویزیون، ماهواره و اینترنت، مهمترین ابزارهای جهانی سازی اقتصادی را شامل شرکت های چندملیتی، سازمان های جهانی، بانکداری جهانی و... و مهمترین ابزارهای جهانی سازی سیاسی را شامل حقوق بشر و دموکراسی، بحران سازی برای دولت و... می داند. وی چالش های جهانی سازی برای ایران را ذکر می کند که طبق آن فرهنگ آمریکایی در غالب فرهنگ جهانی شدن در پی معناسازی فرهنگی برای ایران و غربی سازی فرهنگ ایرانی است. در بحث اقتصاد، تهدیدات و چالش های کاهش تجارت خارجی ایران، کاهش درآمد توریستی و دخالت

مستقیم درباره ی نفت و گاز ایران را ذکر می کند. در جهانی شدن سیاسی هم جهانی سازی در پی غیرایدئولوژیک کردن سیاست خارجی ایران و ترویج ارزش های سیاسی آمریکایی هستند. در فصل نهم هم راهکارهای مقابله با این نوع جهانی سازی را ذکر می کند که شامل راهکارهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی می باشند. این اثر این ضعف را دارد که به فرصت های ناشی از جهانی شدن اشاره ای ندارد. این اثر در هر سه فصل بخش دوم کاربرد دارد.

\*طاهریگ در مقاله **کاستی های جهانی سازی و واکنش اقتصاد اسلامی**، پیامدها و چالش های عمده جهانی سازی برای کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی را شامل این موارد می داند: بحران های مالی و بانکی، تجزیه سیاسی و اجتماعی، و فلاکت بار شدن وضعیت فقیران جهان می داند. این اثر در فصل دوم از بخش دوم کاربرد دارد.

\*ابراهیم محمد ابوربیع در مقاله **جهانی سازی؛ واکنش اسلام معاصر** بیان می کند که در اثر جهانی شدن و رخنه شرکت های فراملیتی در اقتصادهای جهان سوم نه تنها فقر ریشه کن نشده است، بلکه سه پدیده به هم پیوسته را موجب شده است: افزایش شمار فقیران و بیکاران، تمرکز ثروت در دست نخبگان سیاسی و افزایش بیدادگری های حکومت ها. از نظر فرهنگی نیز ورود دانش و فناوری غربی به جهان اسلام، به طور اجتناب ناپذیر همراه ارزش های اخلاقی و فرهنگی آنان بوده است. این اثر نیز نگاه کاملاً بدبینانه ای به جهانی شدن داشته و به فرصت های ناشی از آن اشاره ای ندارد. این اثر در فصل سوم از بخش دوم کاربرد دارد.

## **حدود پژوهش**

این پژوهش به لحاظ زمانی از دهه ۱۹۹۰ تاکنون که بحث جهانی شدن مطرح شد را در بر می گیرد و به لحاظ مکانی کشور ایران را در بر می گیرد.

## **فرضیات پژوهش**

**فرضیه اصلی:**

- جهانی شدن بر حاکمان ملی ایران مؤثر بوده است و دیدگاه حاکمان ملی ایران نسبت به این پدیده متفاوت بوده است.

**فرضیه های فرعی:**

- رهبر انقلاب جهانی شدن سیاسی را همان جهانی سازی غربی می دانند، خاتمی در حالی که وضعیت موجود جهانی را تقبیح می کند بر راه حل گفتگوی تمدن ها برای حل این مشکلات تأکید دارد و احمدی نژاد هم جهانی شدن سیاسی را پروژه ای کنترل شده توسط کشورهای غربی می داند.

- رهبر انقلاب جهانی شدن اقتصادی را پروژه ای در دست قدرتمندان اقتصادی دنیا می داند، خاتمی در عین تأکید بر تسلط قدرتمندان بر اقتصاد کنونی جهان، بر مشارکت کشورهای کوچک برای حل این مشکل تأکید دارد و احمدی نژاد نیز جهانی شدن اقتصادی را همان جهانی سازی اقتصادی می داند.

- رهبر انقلاب جهانی شدن فرهنگی را همان تهاجم فرهنگی می دانند اما بر تبادل فرهنگی برای کسب تجربیات بقیه کشورها تأکید دارند، خاتمی به جهانی شدن فرهنگی نگاه مثبتی دارد و آن را طبیعی می داند و احمدی نژاد هم جهانی شدن فرهنگی را تهاجم فرهنگی تحت کنترل کشورهای غربی می داند و برای مقابله با آن بر مهندسی فرهنگی تأکید ویژه ای دارد.

## اهداف پژوهش

با آن که طی دو دهه اخیر درباره پدیده جهانی شدن صدها کتاب و مقاله در سراسر جهان و در سطوح و اشکال گوناگون منتشر شده است و همایش ها و نشست های مختلف برای آن برگزار گردیده است، صحبت از این پدیده هنوز از تازگی و اهمیت فوق العاده برخوردار است. شاید مهم ترین دلیل اهمیت آن، عدم توقف روند انتشار وسیع کتب و مقالات و همچنین برگزاری همایش ها و نشست های گوناگون درباره جهانی شدن در سراسر جهان باشد. در واقع، جهانی شدن (چه آن را یک پدیده مثبت در نظر بگیریم و چه منفی) در ابتدای راه است و هنوز بسیاری از مردم در انتظار ظهور آثار جدید آن در زندگی خود هستند. به ویژه بررسی تاثیر این فرایند بر کشور ما که از نظر استراتژیکی در منطقه مهمی قرار گرفته و از نظر اقتصادی دارای ذخایر عظیم منابع طبیعی می باشد و دارای جمعیتی جوان و متأثر از فرهنگ جهانی می باشد، حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است یک اثر مستقل و جدیدتر در این موضوع ارائه دهد و از آنجا که تاکنون موضوع مورد پژوهش در آثار قبلی به صورت مستقل در چارچوب تئوریک ارائه نشده است در صدد است تا با انجام این امر ضمن ارائه اثری بدیع تر، تاحدودی این کاستی را برطرف نماید. هدف از این پژوهش بررسی و تبیین اثر جهانی شدن سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر حاکمیت ملی ایران می باشد.

## چارچوب نظری

گیدنز از جمله اندیشمندانی است که دیدگاهش در مورد پدیده ی جهانی شدن تا حدودی متفاوت از سایرین می باشد. وی در توضیح این پدیده می گوید: «جهانی شدن در واقع، به معنای در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین های دور دست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است. پدیده ای

که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست. گسترش جهانی تجدد را باید بر حسب ارتباط فزاینده بین اوضاع و احوال جوامع دوردست و تغییرپذیری مزمین شرایط و تعهدات محلی مورد توجه قرار دهیم. پدیده جهانی شدن را باید به شیوه‌ای متقابل در نظر گرفت، شیوه‌ای که به موجب آن رویدادهای یک قطب از ارتباطهای بسیار دور اغلب رخدادهای متباین یا حتی متضاد و در قلب یکدیگر به وجود می‌آورند. تقابل عوامل محلی و جهانی پایه‌های اساسی استدلال و احتجاج بحث ما هستند». گیدنز سپس اظهار می‌دارد که حتی در بخش‌های پیشرفته جهان نیز ماهیت زندگی روزمره به طور مستمر تحت تأثیر وصلت بین عناصر محلی و جهانی تحول می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲)

از آنجایی که یکی از ویژگی‌های بارز مدرنیته و دنیای مدرن به هم وابستگی و ارتباطات گسترده می‌باشد، خود گیدنز با تعریفی که از جهانی شدن ارائه می‌دهد، ارتباط جهانی شدن و مدرنیته را به خوبی نشان می‌دهد: «بحث جهانی شدن دو دوره را پشت سر گذاشته است و ساده‌ترین تعریف آن، «به هم وابستگی» است. زندگی کردن در دنیایی جهانی تر یعنی زندگی در دنیایی به هم وابسته تر که در آن رخدادهای یک سوی جهان، مستقیماً بر وقایع سوی دیگر آن تأثیر می‌گذارد.» (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۵۸) با این تعریف مشخص می‌شود که از نظر گیدنز دوران مدرن، دوران جهانی شدن را نیز شامل می‌شود و حتی کاملاً بر آن منطبق است.

از نظر گیدنز و با بیانی دیگر «جهانی شدن» را می‌توان تشدید روابط اجتماعی در سطح جهانی تعریف کرد؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهند که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد؛ شکل می‌گیرد و بالعکس. (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۷) از طرفی آنتونی گیدنز «جهانی شدن» را یک رشته فرایندهای پیچیده‌ای می‌داند که نیروی محرک آن را ترکیبی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌دهند و «جهانی شدن»، در عین حال که نظام‌ها و نیروهای فراملی جدیدی را به وجود می‌آورد، زندگی روزمره را به ویژه در کشورهای توسعه یافته، تغییر می‌دهد. همچنین گیدنز «جهانی شدن» را تنها زمینه‌ای برای سیاست‌های معاصر نمی‌داند و معتقد است که «جهانی شدن» نهادهای جوامعی را که در آن زندگی می‌کنیم، دگرگون می‌سازد. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴)

آنتونی گیدنز، «جهانی شدن» را بسط، گسترش و دنباله‌ی آنچه که در گذشته وجود داشته است نمی‌داند، بلکه آن را پدیده‌ای تلقی می‌کند که به نحو بنیادی، جدید است. وی برخلاف سایرین معتقد است که این پدیده صرفاً فرایندی در بعد اقتصادی نیست که تنها براساس اقتصاد بازار قابل فهم باشد، این پدیده پایان سیاست، دولت، ملت، خانواده، فرهنگ و عواطف نیست. بلکه برعکس برخی از آن‌ها را تقویت می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۱۱) به عبارت دیگر از نظر گیدنز پدیده‌ی جهانی شدن هم شامل بعد سیاسی و هم بعد اقتصادی و فرهنگی می‌باشد و محدود به زمینه‌ای خاص نیست.

دیوید هلد و آنتونی مک گرو بر این نظرند که در جهانی شدن سیاسی، دولت به صحنه سیاست گذاری پراکنده ای تبدیل شده که تحت نفوذ شبکه های فراملی و همچنین موسسات و نیروهای داخلی قرار دارد. شکل های جدید سیاست چندجانبه و جهانی با مشارکت دولت ها، سازمان های بین المللی و انواع گوناگون فشار فراملیتی و سازمان های غیردولتی بین المللی ایجاد شده اند. اصولا دولت ها دیگر نمی توانند با شهروندان خود هر طور که صالح می دانند، رفتار کنند (هلد و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۳). از نظر آن ها در جهانی شدن سیاسی، دولت نوین به طور فزاینده ای در شبکه های در هم تنیده ی منطقه ای و جهانی، که نیروهای فوق ملی، بین دولتی، و فراملی بر آن ها حاکم هستند، گرفتار شده است و قادر به تعیین سرنوشت خود نیست (هلد و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

در جهانی شدن فرهنگی نیز آن ها بر این نظرند که این نوع جهانی شدن بیشتر از این که توسط کشورها هدایت شود، توسط شرکت ها هدایت می شود. به نظر جهانگرایان وجود سیستم های ارتباطات جهانی جدید روابط میان مکان های فیزیکی و شرایط اجتماعی را دگرگون می کند، و « جغرافیای موقعیتی » زندگی سیاسی و اجتماعی را تغییر می دهد. جریان های فرهنگی موجب دگرگونی سیاست هویت ملی و به طور کلی هر سیاست مربوط به هویت می شوند (هلد و همکاران، ۱۳۸۲، صص ۴۱-۴۰).

در جهانی شدن اقتصادی، اقتصاد جهانی به معنای دقیق کلمه از نوع سرمایه داری است، زیرا بر اساس اصول بازار و تولید برای سودآوری سازمان دهی شده است. در هسته سازمانی این نظام سرمایه داری جدید جهانی، شرکت های چندملیتی قرار دارند (هلد و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۶۰). جهانی شدن اقتصاد به طور فزاینده ای از دسترسی نظارتی حکومت های ملی خارج می شود و همزمان با آن نهاد های چندجانبه موجود در زمینه راهبری اقتصادی جهانی قدرت محدودی دارند، زیرا دولت ها با تعصب از حاکمیت ملی خود دفاع می کند و از واگذاری قدرت قابل توجه به آن ها خودداری می کنند (هلد و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

از نظر احمد گل محمدی، فرآیند جهانی شدن با مختل کردن کارویژه ی هویت سازی مکان، باعث می شود تا انسان ها برای گریز از بحران، دست کم به بازسازی خیالی سرزمین و مکان متوسل شوند: هند و پاکستان.... آشکارا دوباره در لندن پدیدار می شود (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶). فرآیند جهانی شدن با بازسازی فضا و زمان، هویت سازی سنتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن می کند. بنابراین نوعی بحران هویت و معنا پدید می آید و به بازسازی هویت گریزناپذیر می شود. در این شرایط بحرانی برخی افراد و گروه ها می کوشند با توسل به منابع و شرایط سنتی هویت سازی خویشتن را بازسازی کند. ویژگی های نامبرده دلالت بر این دارند که خاص گرایی های فرهنگی با نفی و رد تاثیر مخرب جهانی شدن بر هویت سازی سنتی و تاکید بر فراهم کردن شرایط و امکان این نوع هویت سازی، افراد دچار بحران هویت و معنا را جذب و بسیج می کنند (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳).



پس فرآیند جهانی شدن با آن که آسودگی انسان منفعل و مقید مقیم جامعه سنتی را از بین برده، هویت سازی را به عملی فردمحور تبدیل می کند، امکان انسان بودن در عین خاص بودن را آشکار می کند و همچنین بی مرزی فرهنگ، تفاوت و گوناگونی را نشان می دهد. بی گمان با چنین بستر، شرایط و امکانات می توان جهانی اندیشید، محلی زندگی کرد (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۰).

## روش جمع آوری داده ها و اطلاعات

رهیافت این پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات و داده ها در این اثر عمدتاً به شکل کتابخانه ای است. همچنین تلاش می گردد از اسناد، شبکه اینترنت و نیز از آرای صاحب نظران در کشور به صورت مصاحبه استفاده شود.

## تعریف مفاهیم نظری

**ایران:** با نام رسمی جمهوری اسلامی ایران کشوری در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱۶۴۸۰۱۹۵ کیلومترمربع (۱۱۸م درجهان) وسعت و حدود هفتاد میلیون نفر جمعیت است. اسلام دین رسمی، تشیع مذهب رسمی و فارسی زبان رسمی ایران است. ایران به عنوان یک سرزمین و یک ملت پیشینه‌ای کهن دارد و یکی از تاریخی‌ترین کشورهای جهان به‌شمار می‌رود. ایران به واسطه قرار گرفتن در منطقه میانی اوراسیا موقعیتی راهبردی دارد. این کشور از اعضای سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک، سازمان اکو و چندین سازمان بین‌المللی دیگر است. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را در اقتصاد جهانی به دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی و گاز طبیعی برای خود بدست آورده‌است. (سایت ویکی پدیا)

**جهانی شدن سیاسی:** مقصود از **جهانی شدن سیاسی** این است که مسایل و مباحثی که قبلاً به حوزه داخلی و حیطة حاکمیت دولت تعلق داشتند، با گذشت زمان ابعاد جهانی شدن بیشتری پیدا می کنند. مسایلی مانند: مهاجرت، تخریب محیط زیست، یا سلاح های کشتار جمعی و ... . جهانی شدن در عرصه سیاست با افزایش روز افزون دهها بازیگر غیرحکومتی و سهمین شدن آن ها در اقتدار و تصمیم گیری های حکومتی همراه شده است. از این رو می توان گفت که دولت بر اثر جهانی شدن با چالش اقتدار مواجه شده است و ناسیونالیسم کمرنگ شده است. (قوام، ۱۳۸۲، ص ۶۶)

**جهانی شدن اقتصادی:** جهانی شدن اقتصادی به معنی تغییر کیفی به سوی یک نظام اقتصادی جهانی است. جهانی شدن اقتصادی رونق زیادی را برای افراد خانواده ها و شرکت ها به ارمغان خواهد آورد و امکان پیشرفت اقتصادی به بیشترین حد در تاریخ بشریت رسیده است. (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳، صص ۲۶۵-۲۶۴)

**جهانی شدن فرهنگی:** رابرتسون از «جهانی شدن» در سطح فرهنگی سخن به میان می‌آورد و این مفهوم را در یک تعریف به صورت زیر مطرح می‌کند: «جهانی شدن» یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم بر تراکم جهان و هم بر تشدید آگاهی درباره‌ی جهان به عنوان یک کل، هم وابستگی متقابل و واقعی جهانی و هم آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می‌کند. (واترز، ۱۳۷۹، ص ۶۷)

**عام گرایی:** اعتقاد به اصول جهانروای حکومت و حقوق فردی که معمولاً بر اساس یک دکترین طبیعت انسانی عام یا جهانگیر مثل سوسیالیسم بین‌المللی، حقوق بشر و قانون اخلاقی کانت قرار دارد. نقطه مقابل عام گرایی معمولاً پارتنیکولیاریسم (خاص گرایی) و ناسیونالیسم (ملی گرایی) مشخص می‌شود. (آقابخشی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۶۱۴)

**خاص گرایی:** می‌توان توسل به عناصر هویت بخش دانست که در آن بر همتایی شیوه‌ها، اعمال و ایده‌های یک گروه یا جماعت معین تاکید می‌شود. برخلاف عام گرایی، خاص گرایی هیچ‌گونه تساهل و همزیستی را بر نمی‌تابد و پلورالیسم فرهنگی در آن محلی از اعراب ندارد. (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵ و ۱۵۴)

**حاکمیت ملی:** حاکمیت شامل دو بعد داخلی و خارجی است. حاکمیت داخلی، قدرت نهایی دادن فرمان و ستاندن اطاعت است و تابع هیچ محدودیت قانونی نیست. حاکمیت خارجی بدان معناست که دولت در حل و رفع مسایل داخلی از هر گونه سلطه‌ی خارجی مستقل و آزاد باشد و اراده‌ی دولت‌های دیگر آن را در اختیار نگرفته باشد. (عالم، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴)

## سازماندهی پژوهش

پژوهش دارای سه بخش می‌باشد. در بخش کلیات که دارای دو فصل می‌باشد، در فصل اول چارچوب نظری مورد استفاده در پژوهش را بیان خواهیم کرد و در فصل دوم توضیحاتی در مورد کشور ایران و نوع برخورد حاکمان این کشور با پدیده‌ی مدرنیته در طی تاریخ معاصر آن داده خواهد شد. در بخش دوم، که شامل سه فصل می‌شود، در فصل اول تأثیر جهانی شدن سیاسی بر مقامات ملی ج.ا.ا ایران یعنی مقام معظم رهبری، سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد بررسی خواهد شد و در فصل دوم تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر این سه مقام ملی ایران توضیح داده می‌شود و در فصل سوم تأثیر جهانی شدن فرهنگی بر مقامات ملی مذکور ارائه خواهد شد. در بخش نتیجه‌گیری نیز در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث مطروحه خواهیم پرداخت.

# بخش اول

# فصل اول:

چارچوب نظری